

نوم و رؤیا و تعبیر و حکم

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (99) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد

1

۹۹ - نوم و رؤیا و تعبیر و حکم

از حضرت بهاءالله در لوحی است. قوله الاعلی: "و همچنین از نوم سؤال شده بود او عالمی است از عوالم الهیه و مدل و مشعر بر امورات نا متناهیة از جمله دلیل بر عالمی که بدو و ختم و اول و آخر در او مشاهده نمیشود چنانچه حال امری در نوم مشاهده میشود و بعد از سنین معدودات بعینه همان ملاحظه میگردد بیک نظر اگر گفته شود عالم مثال است بین عالین شبه ملکوت که آنرا بعضی مثال دانند مابین جبروت و ناسوت صحیح است باری اگر تفکر در او کنی مطالب لانهایه ادراک نمائی و همچنین دالّ است بر حشر و بعث بعد از موت چنانچه لقمان پسر خود گفته اگر قادری که نحوایی قادری که نمیری و اگر بتوانی بعد از نوم بر نخیزی میتوانی بعد از موت محشور نشوی کما ان الموت حقّ کذلک النوم حقّ و کما ان بعد النوم انتباه بعد الموت قیام و باختلاف نفوس و افکار و اکل و شرب گاهی مختلف میشود در رؤیای نفوس مقدّسه اختلاف نبوده و نیست چه که عین یقظه بوده. ای سائل انسان فهرست اعظم و طلسم اقوم است فهرستی است که در او مثال کلّ ما خلق فی الارض و السماء موجود و روح چون از تقییدات عرضیه و شئونات وهمیه فارغ شود جمیع مراتب را سیر نماید و هر چه فراغتش بیشتر سیرش شدید تر و ثابتتر و صادقتر است."



ORIGINAL

و در لوحی دیگر قوله الاعلی: "از جمله مخلوقات نوم است ملاحظه کن چقدر اسرار در او ودیعه گذاشته شده است و چه حکمتها در او مخزون گشته و چه عوالم در او مستور مانده. ملاحظه فرمائید که شما در بیتی میخواهید که درهای آن بیت بسته است یک مرتبه خود را در شهر بعیدی ببینید بیحرکت رجل و تعب جسد بآن شهر داخل میشوید و بیزحمت چشم مشاهده میکنید و بیمخت گوش میشنوید و بیلسان تکلم مینمائید و گاه هست آنچه شنیدهاید ده سال بعد در عالم زمان بحسب ظاهر بعینه آنچه در خواب دیدهاید ببینید حال چند حکمت است که در آن نوم مشهود است و غیر اهل این وادی کجا هی آنرا درک نمیکند اول آنکه آن چه عالم است که بیچشم و گوش و دست و لسان حکم همه اینها را دارد و معمول میشود و ثانی آنکه در عالم ظهور اثر خواب را امروز مشاهده میکنید لکن این سیر را در عالم نوم ده سال قبل دیدهاید حال تفکر نما فرق این دو عالم و اسرار مودعه آنرا تا بتأییدات الهی بمکاشفات سبحانی فائز شوی."

و در لوحی دیگر. قوله الاعلی: "و اما ما سألت عن العوالم فاعلم بان لله عوالم لانهاية بما لا نهاية لها و ما احاط بها احد الا نفسه العليم الحكيم تفكر في النوم و انه الاية الاعظم بين الناس لو تكونن من المتفكرين مثلا انك تری في نومك امر في لیل و تجده بعینه بعد سنة او سنتین او ازید من ذلك او اقل و لو يكون العالم الذي انت رأيت هذ العالم الذي تكون فيه فيلزم ما رأيت في نومك يكون موجودا في هذ العالم في حين الذي تراه في النوم و تكون من الشاهدين مع انك تری امرالم يكن موجودا في العالم و يظهر من بعد اذا حقق ان العالم الذي انت رأيت فيه ما رأيت يكون عالما آخر الذي لا له اول و لا آخر و انك ان تقول هذ العالم في نفسك و مطوی فيها بامر من لدن عزیز قدیر لحقّ و لو تقول بان الروح لما تجرد عن العلائق في النوم سيره الله في العالم الذي يكون مستورا في سر هذ العالم لحقّ و انّ لله عالم بعد عالم و خلق بعد خلق و قدر في كلّ عالم ما لا يحصيه احد الا نفسه المحصى العليم."

و در لوحی دیگر. قوله الاعلی: "از معبرّ سؤال نموده بودید عبرّ الرؤیا انا اذناک و تؤیدک في ذلك انه هو المقتدر القدير انما الاصل هو الاستقامة على امری من فاز به یجری الله من قلبه بحور الحقائق والعرفان و من زل انه من الجاهلین."

و در لوحی دیگر است. قوله الاعلی: "نوم با احكام منصوبه الهیه مقابله و معادله نماید ضع النوم و خذ ما انزله الوهاب في الكتاب."

و در صحیفه اصول و فروع حضرت نقطه است. قوله الاعلی: "بدانکه این ظهور آیات و مناجات و علوم لدنیّه از نومی است که مشاهده نموده بآنکه رأس مطهر جناب سیدالشهداء علیه السلام را مقطوع از

جسد مطهر با رأس ذویالقربی و هفت جرعه دم از کمال حبّ از دم آن جناب شهید نوشیده و از برکت دم آن حضرت است که صدر آن بمثل این آیات و مناجات محکمه منشرح گشته الحمد لله الذی اشربنی دم حجتہ و جعله حقیقة فؤادی و لذلك قد نزل البلاء بامضائه فانا لله و انا الیه راجعون و ان بمثل ذلك فلیعمل العاملون."

و در توقیعی از آن حضرت است. قوله الاعلی: "ما ترى فی المنام مطابقا لامر الحقّ فاعمل به و الا فلا."

و در مناجاتی از آن حضرت است. قوله الاعلی: "و انک لتعلم انی رایت فی المنام من قبل فی ذلك البيت الذی انا قد کنت جالسا فیه ان وسطه مرقد و علیها ضریح و لما قربت المرقد رایت ان محمد الجواد خرج من الضریح باحسن صورة لا یمکن فی الابداع مثلها ففی الحین عرفت امامی من الهام ربی و سلمت علیه و کان لیدیه من احد مثل ما نزل لی الیوم من آلاء ربی و قمت لتقاء الکعبة فی مقامی هذا و اخذت قشرة و جعلته فی کفی بین یدی مولای فاخذ روحی فداه بعضامنه ... فاکل روحی فداه و اکرمنی بعضامنه ثم اخذ من حبیبه کفین من حلو الذی یقول الاعجمین انه نقل هل و اکرمنی بجوده ما یشاء من آلائه و ان من برکة عطائه کان یشرح صدری."

و در توقیعی دیگر است. قوله الاعلی: "فایقن ان فی النوم مثل الروح مثل الشمس فی مقامها لم یمخرج من الجسم بل بنوره یشاهد ملکوت السموات و الارض فان کان مومنا یشاهد الكل بحکم علی مقامه وله تأثیر لا ینفک عنه و ان کان کافرا یشاهد الاشیاء علی صور المعکوس لکفره وله بالعدل تأثیر لا ینقلب عنه و ان الله قد خلق النوم فی العباد لیوقنون بعوالم الاخرة و النشأة الباقية و ان عمر الدنيا و تغیرها بعد الموت بمثل نوم یری اخذ فاذا قام لا یری منه شیئی الا اثر تعبیره فسبحان الله من الذین یرکنون فی الدنيا و ینخافون عن دار الاخرة و نعیمها فسبحانک اللهم یا الهی قرب ایام لقائک فان الدنيا تحزننی و ان اهلها یعادوننی و انا عدو لاعدائک رب فرق بینی و بینهم و ادخلنی فی عبادک المقربین و ان نزع الروح و انجذابه الملك الیه لکان من امرالله و ان فی حقیقة کلّ ذی روح مرات فیه جمال حسین بن علی علیهما السلام فاذا جاء ساعة الموت یاخذ الملك ما وقع علی المرات من سیئاته و شؤناته فحینئذ عبد المؤمن یصعد الیه بالروح و الريحان بشأن الذی لو یمسکه جنود السموات و الارض لن یقدر و الرجوعه و ان عبد المشرک من سطوته ینفر بحیث لو یاخذه جنود السموات و الارض لن یقدر ان یقبل ذلك حکم الله من قبل و من بعد و ان کلّ شیئی هالک الا وجه ربک ذو الجلال و الاکرام."

و در توقیعی دیگر است. و از حضرت عبدالبهاء است. قوله العزیز: "و اما در خصوص رؤیا سئوال نموده بودید رؤیا را مانند بیداری فرض نمائید چه بسیار که دو نفس ملاقات نمایند و با یکدیگر مذاکره و

مجاوره کنند یکی را در خاطر ماند و دیگری بکلی فراموش کند. در عالم رؤیا نیز چنان است و سبب نسیان این است که قضیه چنانکه باید و شاید در محفظه قوه حافظه محافظه نگردد.

و بیانی از آن حضرت در مجمع زائرین و احباب بتاريخ ۸ اگوست ۱۹۱۹ است. قوله الجلیل: "میانہ جمیع این نعمای جسمانی از همه لذیذ تر خواب است. روح انسانی یک قدر آزاد میشود چنان که حوادث جسمانی منقطع میشود روح انسانی قدری آزاد میشود یعنی در صورتیکه قلوب طیب و طاهر باشد و الا اگر قلب طیب و طاهر نباشد در عالم خواب انسان خیلی متوحش میشود و اشیاء هولناکی بنظرش میاید این از آن سبب است که قلب طیب و طاهر نیست و الا اگر قلب طیب و طاهر باشد خواب از برای انسان آزادی است اگر در زندان باشد خود را در گلستان می بیند، در زیر زنجیر باشد خود را جالس بر سریر می بیند. بکلی از احساسات جسمانی بیخبر است اگر افکار باطله در قوه حافظه اش نیاید سیر عجیبی دارد و چه بسیار میشود که در مسأله انسان در بیداری فکر میکند و لکن حل نمیکند در عالم رویا بسیار واقع شده است که کشف میکند. بسیار میشود که رؤیا رؤیای صادقه است چنانچه هرچه میبینید بعینه ظاهر میشود محتاج بتعبیر نیست چه که خواب بر سه قسم است یکی رویای صادقه است عیناً مثل روشنائی صبح است احتیاج بتعبیر ندارد همانطور که میبینید همان طور واقع میشود و لکن از برای اکثر ناس بلکه عموماً حاصل نمیشود در مدت حیاتش برای هر نفسی تصادف میکند که قلب فارغ است و در قوه حافظه افکار باطلی نیست آنچه که روح کشف طبقاً انعکاس حاصل میشود این رؤیا صادقه است که تعبیر ندارد و عین واقع است. قسم ثانی رؤیای تعبیری است و آن این است که در قلب و در ذهن افکار باطله است یک سیر روحانی از برای انسان حاصل میشود آن وقت باید تعبیر کرد افکار باطله را باید از انکشافات روحانیه جدا کرد مثل قماش میماند که سفید است و هر رنگی باو بدهی قبول میکند عین واقع است ولی اگر در آن قماش رنگی دیگر باشد و رنگی باو بدهی غیر واقع است مثل اینکه اگر در قماش رنگ زردی باشد و رنگ آبی بدهی سبز میشود حالا باید زرد را جدا کرد تا آبی جلوه کند این تعبیر است. قسم دیگر خواب اضغاث احلام است مثل اینکه انسان در ایام روز در نزاع و جدالی داخل میشود در عالم خواب آن حوادث نمودار میشود این اضغاث و احلام است نه تعبیر دارد و نه انکشافی است پیش از آن که شخص بخوابد اوهام بر او مستولی شده بود ظاهر این هیچ تعبیر ندارد اضغاث و احلام است. در نزد انبیاء رؤیا قسمی از وحی است علیالخصوص در نزد انبیاء بنی اسرائیل مسأله رؤیا خیلی است. بعضی از انبیاء شب در عالم رؤیا مبعوث شده در عالم رؤیا مشاهده کرده شخصی نورانی یا هیکل ربّانی باو خطاب کرد که فلان تو برو بمملکت اسرائیل چنین القاء کن و چنین و چنان بگو او هم صبح بر میخاست و تبلیغ میکرد که فلان مسأله که در او متحریرید چنین است یا آنکه حل آن بدین واسطه است این من دون اراده واقع

میشود ولی انسان خود را حاضر کند بهتر ظاهر میشود مثل میهمانی است که میاید ولی اگر صاحب خانه آب و جارو کند آسانتر میاید."

حاشیة

قال بعض العارفين الفرق بين الموت و النوم ان في الموت ينقطع تعلّق النفس الناطقة و في النوم يبطل تصرفها فالمراد من خروج النفس الناطقة تصرفها في البدن ... في الحديث ان رسول الله قال ... ان الرؤيا الصادقة جزء من سبعين جزء من النبوة و في بعض نسخ الحديث الصالحه و وصفها بها لان غير الصالحة تسمى الحلم (مجمع البحرين)

در سوره فتح از قران است قوله تعالى: " صدق الله رسوله الرؤيا بالحقّ لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين محلّقين روسكم و مقصرين لا تخافون فعلم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا."